

## اثبات غنای احادیث مهدوی در اعتباربخشی به سایر روایات با تطبيق موردی خطبه غدیر\*

رویا جهان دوست<sup>۱</sup>

محسن احتشامی نیا<sup>۲</sup>

مجید معارف<sup>۳</sup>

### چکیده

حدیث غدیر یکی از معدود میراث‌های ماندگار پیامبر ﷺ است که هیچ‌گونه تردیدی در درستی و مضمون آن میان تمامی فرق مسلمان نیست. مرحوم طبرسی خطبه‌ای طولانی برای این رویداد تاریخی روایت کرده که در سایر منابع یافت نمی‌شود و سندی که به آن ارائه نموده خالی از ایراد و اشکال نیست. در این خطبه، حدود هجده جمله درباره مهدویت و امام زمان به چشم می‌خورد که نشان از اهمیت این حقیقت در پیشگاه پیامبر ﷺ دارد که آن را در مهم‌ترین رویداد تاریخ اسلام گنجانده است. با بررسی صورت گرفته تقریباً تمامی این جملات از معارف و حقایق روشن و جا افتاده در فرهنگ و میراث حدیثی اهل بیت است و هیچ‌یک از آنها با ابهام عقیدتی یا تردید در درستی روبرو نیست. بنابراین بخش مهدویت این خطبه، با توجه به قرائن و شواهد موجود، ثابت و غیرقابل خدشه است و می‌تواند پشتوانه محکمی برای حجیت بخشی به خطبه غدیر باشد.

### واژگان کلیدی

خطبه غدیر، احادیث مهدویت، اعتباربخشی، الاحتجاج، بررسی سندی و متنی.

### مقدمه

حادثه عظیم غدیر خم در واپسین روزهای عمر مبارک پیامبر ﷺ، گویای غروب روزگار محمدی و طلوع دوری جدید از ولایت الهی بر عرصه گیتی است. حادثه‌ای که تمامی دوران

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۱

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (jahandoostr@gmail.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (m.ehteshaminia@yahoo.com).

۳. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، تهران، ایران (maaref@ut.ac.ir).

رسالت پیامبر ﷺ وابسته به اجرایی شدن آن است و امنیت و سلامت الهی تنها در پرتو آن بر مردمان سایه خواهد افکند. این حادثه چنان در گوش جامعه و تاریخ پیچید که به متواترترین خبر تمامی دوران پیامبر ﷺ تبدیل شد و کتاب‌ها درباره سندها و متن‌ها و اثبات و ردها درباره محتوای آن نگاشته شد و به مرکز ثقل نقد و نظر میان شیعه و سایر فرق تبدیل گردید. مرحوم ابومنصور احمد بن علی بن ابوطالب طبرسی [م ۵۴۸ق] نخستین کسی است که خطبه‌ای طولانی برای این روز از زبان پیامبر ﷺ گزارش و سند آن را بیان کرده است. این خطبه از چند جهت دارای اهمیت ویژه است که یکی از آنها پردازش ویژه پیامبر ﷺ به مسئله مهدویت در این خطبه است. این نکته از آن جهت دارای اهمیت ویژه است که نشان‌دهنده نگاه فراتاریخی پیامبر ﷺ به مسئله جانشینی و چشم‌اندازی است که آن حضرت در ورای امامت و ولایت امیرالمؤمنین مشاهده و پیگیری می‌نماید. بنابراین لازم است این بخش از خطبه، با دقت و وسواسی خاص، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. در این مقاله - به عنوان مقدمه‌ای برای بررسی محتوایی این جملات - تلاش بر آن است تا این بخش خطبه، با توجه به سایر احادیث معرفتی اهل بیت، مورد سنجش قرار گرفت و میزان استحکام آنها در میراث حدیثی اهل بیت، بررسی گردد. این تلاش، بدون تردید، انگیزه را برای بررسی محتوایی این بخش از خطبه بیشتر کرده دغدغه‌مندی پیامبر ﷺ را نسبت به گنجاندن آن در خطبه خویش، ثابت می‌نماید.

در این راستا، ابتدا به نقل بخش مهدویت از خطبه غدیر می‌پردازیم و پس از بررسی سندی خطبه، به استخراج شواهد هر یک از فقرات این بخش از میراث گرانقدر احادیث معرفتی می‌پردازیم.

### متن حدیث

... معاشر الناس! ألا وإني منذر و علی هاد. معاشر الناس! إني نبي و علی وصي.  
 ألا! إن خاتم الأئمة منّا القائم المهدي.  
 ألا! إنه الظاهر علی الدین.  
 ألا! إنه المنتقم من الظالمین.  
 ألا! إنه فاتح الحصون و هادمها.  
 ألا! إنه قاتل كل قبيلة من أهل الشرك.  
 ألا! إنه مدرك بكل ثأر لأولياء الله.

ألا! إنه الناصر لدين الله.  
 ألا! إنه الغراف في بحر عميق.  
 ألا! إنه يسم كل ذي فضل بفضله و كل ذي جهل بجهله.  
 ألا! إنه خيرة الله و مختاره.  
 ألا! إنه وارث كل علم و المحيط به.  
 ألا! إنه المخبر عن ربه عزوجل و المنبئ بأمر إيمانه.  
 ألا! إنه الرشيد السديد.  
 ألا! إنه المفوض إليه.  
 ألا! إنه قد بشر به من سلف بين يديه.  
 ألا! إنه الباقي حجة و لا حجة بعده و لا حق إلا معه و لا نور إلا عنده.  
 ألا! إنه لا غالب له و لا منصور عليه.  
 ألا! و إنّه ولي الله في أرضه و حكمه في خلقه و أمينه في سرّه و علانيته.  
 معاشر الناس! قد بينت لكم و أفهمتكم و هذا على يفهمكم بعدى... (طبرسي، ۱۳۸۶ق: ج ۱)،  
 (۸۰).

### سند حدیث

حدثني السيد العالم العابد أبو جعفر مهدي بن أبي حرب الحسيني المرعشي عليه السلام قال أخبرنا الشيخ أبو علي الحسن بن الشيخ السعيد أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي عليه السلام قال أخبرني الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر قدس الله روحه قال أخبرني جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري قال أخبرنا أبو علي محمد بن همام قال أخبرنا علي السوري قال أخبرنا أبو محمد العلوي من ولد الأفتس و كان من عباد الله الصالحين قال حدثنا محمد بن موسى الهمداني قال حدثنا محمد بن خالد الطيالسي قال حدثنا سيف بن عميرة و صالح بن عقبة جميعا عن قيس بن سمعان عن علقمة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر محمد بن علي عليه السلام أنه قال: حج رسول الله صلى الله عليه وآله من المدينة و قد بلغ جميع الشرايع قومه غير الحج و الولاية فأتاه جبرئيل عليه السلام فقال له: يا محمد... (همان: ج ۱، ۶۶ به بعد).

### بررسی رجال سند

در سند یاد شده، پنج نفر نخست، تقریباً نیازی به بررسی رجالی ندارند چراکه غیر از راوی نخست، یعنی مهدی حسینی مرعشی، سایرین از عالمان و بزرگان شناخته شده شیعه هستند.

مهدی مرعشی را نیز مرحوم طبرسی با عنوان «العالم العابد» ستوده و با توجه به این که استاد ایشان بوده، این عناوین، نشان دهنده اعتماد کامل طبرسی به ایشان است. بنابراین، بررسی رجال سند را از راوی ششم، یعنی علی سوری پی می‌گیریم. البته یادآوری این نکته ضروری است که مشاهده نام شیخ طوسی در این سند، این سؤال را در ذهن تقویت می‌نماید که چگونه می‌شود ایشان راوی چنین خطبه ارزشمندی باشد و در هیچیک از کتاب‌های خود آن را ذکر یا یاد نکرده باشد؟! هرچند این نکته را نیز در بررسی سندی خطبه غدیر باید در نظر داشت ولی از سوی دیگر مرور کتاب‌های حدیثی به ویژه در نوشته‌های ابن طاووس که به تصریح خودش از نسل شیخ طوسی بوده نشان می‌دهد، در موارد متعدد، نام شیخ طوسی در سند روایاتی به کار رفته که نشانی از آنها در کتاب‌های موجود ایشان نیست.

### علی السوری

درباره وی هیچ نکته‌ای در منابع یافت نشد.

### ابومحمد العلوی

نجاشی از شخصی با عنوان یحیی معروف به ابومحمد علوی از بنوزبیره یاد کرده و او را «سید متکلم فقیه من أهل نیشابور له كتب كثيرة» گفته (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۴۵) ولی محقق خوئی این شخص را غیر از راوی محل بحث می‌داند (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۳، ۴۷). البته هرچند در سندی که گذشت از وی با عبارت «من ولد الافطس و كان من عبادالله الصالحين» یاد شده ولی از آن جا که به احتمال قوی، این جمله از زبان علی سوری ناشناخته است نمی‌توان بر اساس آن، حکم به وثاقت ابومحمد علوی نمود.

### ابوجعفر محمد بن موسی بن عیسی الهمدانی السمان

بزرگان قم او را متهم به غلو کرده‌اند و حتی محمد بن حسن بن ولید او را از سازندگان حدیث به شمار آورده (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۸) ابن ولید همچنین نام او را در شمار مستثنیات از نوادر الحکمه ذکر کرده است (همان: ۳۴۸). شیخ صدوق نیز او را متهم به دروغ‌گویی کرده (صدوق، بی‌تا «ب»: ج ۲، ۹۰)<sup>۲</sup> شیخ صدوق بر همین اساس، کتاب زید نرسی و زید زراد را

۱. الظاهر أن هذا غیر یحیی المکنی أبامحمد العلوی و ذلك لاختلاف الطبقة.

۲. أما خبر صلاة يوم غدیر خم و الثواب المذكور فيه لمن صامه فإن شیخنا محمد بن الحسن رضی الله عنه كان لا یصححه و یقول: إنه من طریق محمد بن موسی الهمدانی و كان كذاباً غیر ثقة. و كل ما لم یصححه ذلك الشیخ قدس الله روحه و لم یحکم بصحته من الأخبار فهو عندنا متروک غیر صحیح.

نیز ساختگی می دانست. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۳۰)<sup>۱</sup> اینها همه در حالی است که از یک سو یکی از کتاب‌هایی که نجاشی برای همدانی نقل کرده «کتاب الرد علی الغلاة» است و از سوی دیگر، نجاشی سند صحیح به کتاب زید زراد ارائه کرده! جالب آن که ابن غضائری نیز درباره تضعیف وی تردید دارد و ضعف آن را به گردن قمی‌ها می‌اندازد! (ابن غضائری، ۱۳۸۰ش: ۹۵)<sup>۲</sup> در هر حال به خاطر تصریح محمدبن حسن و پذیرش این تصریح از سوی شاگردانش و از جمله شیخ صدوق، چاره‌ای جز تضعیف وی باقی نمی‌ماند.

#### ابوعبدالله محمدبن خالدبن عمر طیالسی تمیمی

از راویان صاحب کتاب کوفه است. وی به سال ۲۵۹ق و در سن ۹۷ سالگی از دنیا رفت (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۴۰؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۱). راوی کتاب او محمدبن علی بن محبوب است (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۸). حمیدبن زیاد تعداد زیادی از اصول روایی را از طریق او روایت کرده است (طوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۴۱). وی همچنین از رجال کامل‌الزیارات است. بنابراین تنها بر مبنای کسانی که توثیق عام «رجال کامل‌الزیارات» را می‌پذیرند، ثقه به شمار می‌آید. دو پسر او ابوالعباس عبدالله و ابومحمد حسن از راویان ثقه شیعه هستند (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۹).

#### سیف بن عمیره نخعی

کوفی از راویان ثقه امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است. یکی از راویان کتاب او نیز محمدبن خالد طیالسی است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۷۹). گذشته از آن از رجال تفسیر قمی و کامل‌الزیارات نیز هست و روایات فراوانی از او در دست است. پسرانش ابوعبدالله حسین و ابوالحسین علی نیز از راویان حدیث هستند که علی توثیق صریح دارد (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۷۸).

#### قیس بن سمان بن ابوذبیحه [ربیحه، رنیحه، ربیعه]

درباره وی نکته خاصی در منابع یافت نشد غیر از این که پدر بزرگ وی از خادمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و تنها راوی از او نیز نوه‌اش صالح بن عقبه است. نوه دیگرش علی بن صالح نیز نامی در میان راویان دارد.

۱. زید النرسی و زید الزراد لهما اصلان لم یروهما محمدبن علی بن الحسین بن بابویه و قال فی فهرسته: لم یروهما محمدبن الحسن بن الولید و کان یقول: هما موضوعان. و كذلك کتاب خالدبن عبدالله بن سدید و کان یقول: وضع هذه الاصول محمدبن موسی الهمدانی.

۲. ضعیف و یروی عن الضعفاء و یجوز أن یخرج شاهداً تکلم القمیین فیه بالرد فأکثروا و استثنوا من کتاب «نوادرالحکمة» ما رواه.

## علقمه بن محمد حضرمی

از اصحاب امام باقر و از رجال کامل الزیارات است. در مجموع، حتی اگر اتهام به جعل حدیث همدانی را نیز نادیده بگیریم، این خطبه، مبتلی به ناشناختگی لااقل چهارتن از راویانش است و «مهمل» به شمار می‌آید.

### بررسی متن

با توجه به ابهام‌های موجود در سند حدیث، لازم است محتوای آن به وسیله میراث حدیثی اهل بیت، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد تا میزان اعتبار و اهمیت این خطبه بیشتر روشن شود. پیش از ورود به بحث، توجه به این نکته لازم و ضروری است که راه اطمینان خاطر به صدور یک روایت از امام معصوم، منحصر در سند نیست؛ بلکه سند یک راه رسیدن به چنین اطمینانی است. از جمله راه‌های دیگری که می‌توان برای وثوق به صدور روایت به آنها اشاره کرد، موافقت محتوای آن با قرآن کریم، و یا وجود روایات متعدد با یک مضمون (خانواده حدیثی) می‌باشند. به این راه‌ها که ناظر به محتوای یک روایت هستند، «وثوق خبری» گفته می‌شود؛ در برابر «وثوق مخبری» که مبتنی بر بررسی سند حدیث است. بنابراین در این مرحله از پژوهش و با توجه به مشکلات موجود در برابر «وثوق مخبری»، برای اثبات اعتبار خطبه غدیر، ناگزیر از پناه بردن به «وثوق خبری» هستیم. در این جا و به فراخور موضوع مقاله به بررسی فقرات مهدوی یاد شده بسنده کرده و سایر فقرات آن را به فرصت‌ها و پژوهشگران دیگر وا می‌گذاریم.

همان‌گونه که مشاهده شد، محتوای مهدوی خطبه غدیر، در هجده فقره تفکیک شد که به ترتیب به بررسی هریک از آنها می‌پردازیم:

### خاتمیت

ألا! إن خاتم الأئمة منا القائم المهدي.

ألا! إنه الباقي حجة ولا حجة بعده ولا حق إلا معه ولا نور إلا عنده.

درباره اختصاص دو لقب «القائم» و «المهدی» به امام زمان عجل الله تعالی فرجه و کاربرد ویژه آنها درباره آن حضرت، آن قدر روایت در دست است که بی‌نیاز از حتی هرگونه اشاره می‌باشد؛ اما درباره لقب «خاتم الائمه»:

در چند روایت به «خاتم الاوصیاء» بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه تصریح شده است. در یکی از روایات درباره نماز حاجت، در دعای پس از نماز چنین آمده:

... و أتقرب إليك بالبقية الباق المقيم بين أولياءه الذي رضيته لنفسك الطيب الطاهر  
الفاضل الخير نور الارض و عمادها و رجاء هذه الامة و سيدها الأمر بالمعروف الناهي عن  
المنكر الناصح الامين المؤدى عن النبيين و خاتم الاوصياء النجباء الطاهرين صلوات الله  
عليهم اجمعين... (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۲۸۷-۲۹۲).<sup>۱</sup>

امام عسکری علیه السلام در ساعات پایانی عمر مبارک خویش خطاب به فرزند دل‌بندش چنین فرمود:

پسرم! تو را بشارت باد که صاحب زمان و مهدی و حجت خداوند بر زمین و فرزند و  
جانشین من هستی و من پدر تو هستم و تو محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی  
بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام و از نسل  
پیامبر صلی الله علیه و آله و پایان دهنده امامان پاک هستی. پیامبر خداوند به تو بشارت داده و نام و  
کنیه تو را مشخص نموده...<sup>۲</sup>

از خود امام زمان علیه السلام نیز گزارش شده که فرمود:

من پایان بخش جانشینان هستم و خداوند به وسیله من بلا را از خاندان و شیعیانم  
برطرف می‌سازد.<sup>۳</sup>

همچنین در روایات متعددی به این که ختم امور به دست اهل بیت خواهد بود و همچنین  
امام زمان علیه السلام، همان خاتمه دهنده خواهند بود، تصریح شده است. از دسته نخست می‌توان به  
این روایت اشاره داشت:

امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: هدایتگران از نسل ما خواهند بود یا از نسل  
دیگران؟ حضرت فرمود: هدایتگران، تا روز قیامت از نسل ما خواهند بود. خداوند به

۱. به وسیله باقی مانده‌ای در میان اولیائش که او را برای خود پسند کرده‌ای و پاک و پاکیزه و برتر و خیر و روشنایی و  
ستون زمین و مایه امید و آقای این امت که اهل امر به معروف و نهی از منکر و دل‌سوز و امانت‌دار و پایان بخش  
جانشینان برگزیده و پاک است که درود خداوند بر تمامی آنها باد [روای عاصم بن حمید: قال أبو عبد الله].

۲. أبشر يا بني! فأنت صاحب الزمان وأنت المهدي وأنت حجة الله على أرضه وأنت ولدي و وصيي وأنا ولدتك وأنت  
محمد بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب  
ولذلك رسول الله صلی الله علیه و آله وأنت خاتم الانمة الطاهرين و بشر بك رسول الله و سماك و كناك .... (الغيبة شيخ طوسی، ۱۶۵  
[احمد بن علی الرازی عن محمد بن علی عن عبدالله بن محمد بن خاقان الدهقان عن أبي سليمان داود بن عنان  
البحرانی قال قرأت علی أبي سهل اسماعيل بن علی النوبختی ...])

۳. أنا خاتم الاوصياء و بی رفع الله البلاء عن أهلي و شيعتي. (اثبات الوصية، ۲۲۱ [حدثنا علان قال حدثني ابونصر ضريح  
الخادم: دخلت علی صاحب الزمان ...]; کمال‌الدین، ج ۲، ۴۴۱، باب ۴۳، ح ۱۲ [حدثنا ابوطالب المظفر بن جعفر بن المظفر  
بن جعفر بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن أبي طالب قال حدثنا جعفر بن محمد بن مسعود قال حدثنا  
ابوالنضر محمد بن مسعود قال حدثنا آدم بن محمد البلخی قال حدثنا علی بن الحسن الدقاق عن ابراهيم بن محمد  
العلوی قال حدثني طريف ابونصر ...]; الغيبة شيخ طوسی، ۱۴۸ [از علان])

وسيله ما مردم را از گمراهی شرک و فتنه نجات داد و به وسيله ما پس از اين دو گمراهی، برادر شدند و به وسيله ما [کارها] را به پايان می برد همان گونه که به وسيله ما آنها را آغاز کرد.<sup>۱</sup>

همچنين در تعدادی فراوانی از روايات، به «آخرين» بودن امام زمان علیه السلام تصريح شده است که به عنوان نمونه به ذکر دو روايت بسنده می شود:

اميرالمؤمنين علیه السلام از پیامبر خدا روايت کرده: امامان پس از من دوازده نفر خواهند بود. یا علی! تو نخستين آنها و قائم - که خداوند به دست او شرق و غرب زمین را خواهد گشود - آخرين شان خواهید بود.<sup>۲</sup>

بدر بن عیسی از پدرش جويا شد:

از میان تابعین چه کسانی را دیده بودی؟ پاسخ شنید: نمی فهمم چه می گویی [و تابعین را نمی شناسم] ولی در مسجد جامعه کوفه از استادی شنیدم که از مردی نیکو از امیرالمؤمنین این گونه روايت می کرد: پیامبر خدا به من فرمود: یا علی! امامان اهل هدایت و هدایت یافته و معصوم، یازده نفر از نسل تو خواهند بود. تو نخستین آنها هستی و آخرین آنها مردی هم نام من است که قیام خواهد کرد و زمین را آکنده از عدالت خواهد نمود...<sup>۳</sup>

۱. قال علي علیه السلام لرسول الله: يا رسول الله! أمنا الهداة أو من غيرنا؟ قال: بل منّا الهداة إلى يوم القيامة بنا استنقذهم الله من ضلالة الشرك و بنا استنقذهم الله من ضلالة الفتنة و بنا يصبحون إخوانا بعد ضلالة الفتنة كما أصبحوا إخوانا بعد ضلالة الشرك و بنا يختم الله كما بنا فتح الله. (كمال الدين، ج ۱، ۲۳۰، باب ۲۲، ح ۳۱؛ الامالی شيخ مفيد، م ۳۴، ح ۷ [لما نزلت على النبي] «إذا جاء نصر الله و الفتح» قال لي: يا علي! ... فقلت: يا رسول الله! العدل منّا أم من غيرنا؟ فقال: بل منّا؛ بنا يفتح الله و بنا يختم الله و بنا آلف الله بين القلوب بعد الشرك و بنا يؤلف الله بين القلوب بعد الفتنة ... [الامالی شيخ طوسي، ج ۱، ۶۳، ح ۱] [از شيخ مفيد])

این روايت در منابع اهل تسنن نیز يافت می شود:

این بن ابی طالب أنه قال للنبي: أمنا المهدي أم من غيرنا؟ يا رسول الله! فقال: بل منّا بنا يختم الله كما بنا فتح و بنا يستنقذون من الشرك و بنا يؤلف الله بين قلوبهم بعد عداوة بينة كما بنا آلف بين قلوبهم بعد عداوة الشرك ... (المعجم الأوسط، ج ۱، ۱۳۶)

۲. اميرالمؤمنين علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الأئمة بعدى اثنا عشر؛ أولهم أنت يا علي و آخرهم القائم الذي يفتح الله عزوجل على يديه مشارق الأرض و مغاربها. (كمال الدين، ج ۱، ۲۸۲، باب ۲۴، ح ۳۵؛ الامالی شيخ صدوق، م ۲۳، ح ۹ و م ۹۱، ح ۱۰؛ عيون اخبار الرضا، ج ۱، ۵۶)

۳. بدر بن عیسی قال: سألت أبي عیسی بن موسی و كان رجلا مهيبا فقلت له: من أدركت من التابعين؟ فقال: ما أدري ما تقول لي و لكنني كنت بالكوفة فسمعت شيخا في جامعها يتحدث عن عبد خير قال: سمعت أميرالمؤمنين علي بن أبي طالب يقول: قال لي رسول الله: يا علي! الأئمة الراشدون المهتدون المعصومون من ولدك أحد عشر إماماً و أنت أولهم و آخرهم اسمه اسمي يخرج فيملاً الأرض عدلاً.... (الغيبة نعماني، ۹۲؛ الغيبة شيخ طوسي، ۹۰ [أخبرني جماعة عن التلعكبري عن أبي علي محمد بن همام عن الحسن بن علي القوهستاني عن ...])



در برخی روایات نیز به صورت ضمنی از «آخرین» بودن امام زمان سخن به میان آمده است. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

هرکه تمامی امامان را بپذیرد ولی مهدی را منکر شود همانند کسی است که تمامی پیامبران الهی را بپذیرد ولی منکر پیامبری محمد شود. امام در ادامه روایت، «مهدی» را پنجمین نسل از هفتمین امام معرفی فرمود (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۲، ۴۱۱).

بنابراین هیچ تردیدی در صحت و درستی این گزاره وجود ندارد و این گزاره یکی از متقن‌ترین و محکم‌ترین گزاره‌های موجود در فضای مهدویت است.

### پشتیبان دین

أَلَا إِنَّهُ الظاهر على الدين.

أَلَا إِنَّهُ الناصر لدين الله.

اگر منظور از این عبارت، چیرگی دین اسلام بر تمامی ادیان باشد، در چندین روایت تفسیری ذیل آیه «لیظهره علی الدین کله»<sup>۱</sup> به وقوع آن در دوران و به دست امام زمان تصریح شده است که در این جا به ذکر چند روایت به عنوان نمونه بسنده می‌کنیم:

از سیدالشهداء علیه السلام روایت شده:

از میان ما دوازده هدایت یافته هستند که نخستین آنها امیرالمؤمنین علی و آخرین شان، نهمین نفر از نسل من خواهند بود. او همان قائم به حق است که خداوند به وسیله او زمین را پس از مرگش زنده خواهد کرد و دین حق را به وسیله او بر تمامی دین‌ها آشکار خواهد ساخت حتی اگر مشرکان را خوش نیاید...<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

... او پنجمین نفر از نسل فرزندم موسی و فرزند برترین کنیز خواهد بود که مدتی را در غیبت به سر خواهد برد و همین مسئله، شک و تردید بیهوده‌کاران را در پی خواهد

۱. این عبارت در چهار آیه از قرآن تکرار شده که به خودی خود، ارتباط ویژه و خاصی با دوران امام زمان دارد و تطبیق بهتری نمی‌توان برای آن پیدا کرد:

﴿و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير﴾ (انفال: ۳۹)

﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق لیظهره علی الدین كله ولو كره المشركون﴾ (توبه: ۳۳؛ صف: ۹)

﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق لیظهره علی الدین كله و كفی بالله شهيدا﴾ (فتح: ۲۸)

۲. قال الحسين بن علی بن ابی طالب: منّا اثنا عشر مهدياً أولهم أمير المؤمنين علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو القائم بالحق یحیی الله به الأرض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین كله ولو كره المشركون ... (کمال‌الدین، ج ۱، ۳۱۷، باب ۴۰، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ۶۸؛ کفایة الاثر، ۲۳۱ [از صدوق])

داشت. سپس خداوند متعال او را آشکار خواهد کرد و شرق و غرب زمین را به دست او خواهد گشود.. و در تمامی زمینهایی که سایر خدایان پرستیده شده، یکتاپرستی حاکم خواهد شد و برخلاف خواست مشرکان، دین خداوند همه جا را در بر خواهد گرفت.<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه «با آنها مبارزه را تا آن جا ادامه دهید که فتنه، ریشه کن و تمامی دین از آن خداوند گردد» جویا شد که امام فرمود:  
هنوز روزگار مورد اشاره در این آیه از راه نرسیده است. پیامبر خدا به خاطر نیاز خود و یارانش مجبور شد به کافران فرصت دهد ولی اگر روزگار این آیه فرابرسد، تنها راه پیش روی کافران، دین یا مرگ خواهد بود تا این که شرک، ریشه کن گردد و جز یکتاپرستی باقی نماند.<sup>۲</sup>

محمد بن فضیل از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «تا آن که آن دین را بر تمامی دین ها آشکار سازد» جویا شد و حضرت فرمود:

این اتفاق در زمان قیام قائم رخ خواهد داد؛ خداوند می فرماید خداوند نور خود را که همان ولایت و سرپرستی قائم است به کمال خواهد رسانید حتی اگر کافران به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از آن خوش شان نیاید.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام درباره آیه «او همان کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمامی دین ها برتری بخشد حتی اگر مشرکان را خوش نیاید» فرمود: به خدا سوگند! مصداق این آیه هنوز فرانسیده و فرا نخواهد رسید تا قائم برخیزد....<sup>۴</sup>

تفسیر این آیات به روزگار امام زمان و حکومت جهانی اسلام، چنان آشکار و روشن است که

۱. سمعت أبا عبد الله يقول: ... هو الخامس من ولد ابني موسى؛ ذلك ابن سيده الإمام يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون ثم يظهره الله عزوجل فيفتح الله على يديه مشارق الأرض و مغاربها ... و لا تبقى في الأرض بقعة عبد فيها غير الله عزوجل إلا عبد الله فيها و يكون الدين كله لله ولو كره المشركون. (كمال الدين، ج ۲، ۳۴۵ و ۳۴۶، باب ۳۳، ح ۳۱)

۲. محمد بن مسلم: قلت لأبي جعفر: قول الله عزوجل «و قاتلوهم حتى لا تكون فتنة و يكون الدين كله لله»؟ فقال: لم يجئ تأويل هذه الآية بعد؛ إن رسول الله رخص لهم لحاجته و حاجة أصحابه فلو قد جاء تأويلها لم يقبل منهم لكنهم يقتلون حتى يوحد الله عزوجل و حتى لا يكون شرك. (الكافي، ج ۸، ح ۲۴۳)

۳. محمد بن الفضيل عن أبي الحسن الماضي: سألته عن قول الله عزوجل «يريدون ليطفؤوا نور الله بأفواههم»... قلت: «ليظهره على الدين كله». قال: يظهره على جميع الأديان عند قيام القائم؛ يقول الله «و الله متم نوره» ولاية القائم «ولو كره الكافرون» بولاية علي... (الكافي، ج ۱، ۴۳۲، ح ۹۱)

۴. قال أبو عبد الله في قول الله عزوجل «هو الذي أرسل رسوله بالهدى و دین الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون»: والله ما نزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم... (كمال الدين، ج ۲، ۶۷۰، باب ۵۸، ح ۱۶)

حتی در مفسران اهل تسنن نیز گرایش به آن به وضوح به چشم می خورد؛ آن گونه که از جابر بن عبدالله (بیهقی، بی تا: ج ۹، ۱۸۰؛ سیوطی، بی تا: ج ۳، ۲۳۱) از سعید بن منصور و ابن منذر و بیهقی]، ابوهریره (طبری، ۱۴۱۰ ق: ج ۱۰، ۸۲؛ سیوطی، بی تا: ج ۳، ۲۴۱) از عبد بن حمید و ابوالشیخ]، و مجاهد (بیهقی، بی تا: ج ۹، ۱۸۰) گزارش شده «این آیه مربوط به دوران حکومت حضرت عیسی بن مریم است» که همان دوران حاکمیت امام زمان عجل الله فرجه خواهد بود.

### انتقام گیرنده

ألا! إنه المنتقم من الظالمين.

ألا! إنه قاتل كل قبيلة من أهل الشرك.

ألا! إنه مدرك بكل ثار لأولياء الله.

درباره منتقم بودن امام زمان عجل الله فرجه نیز روایات فراوانی در دست است که نشان از شدت شهرت امام زمان عجل الله فرجه به این لقب دارد. تعدادی از این روایات را در ادامه، مرور می نماییم:

امام باقر عجل الله فرجه از سیدالشهداء عجل الله فرجه روایت فرموده:

... خداوند قائم ما را آشکار خواهد کرد و از ستمکاران انتقام خواهد گرفت. از آن حضرت پرسیدند: قائم شما کیست؟ فرمود: هفتمین نفر از نسل نوه من، محمد بن علی است که حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی؛ فرزند من خواهد بود که مدتی طولانی را در غیبت به سر خواهد برد و سپس آشکار خواهد شد و زمین را از عدالت آکنده خواهد کرد همان گونه که از ستم پر شده است.<sup>۱</sup>

ابوحمزه ثمالی از امام باقر عجل الله فرجه پرسید:

... چرا او قائم نامیده شده؟ فرمود: پس از آن که پدر بزرگم حسین کشته شد، ملائکه به دربار خداوند ضجه و گریه و زاری کردند که: خدایا! آیا از قاتلان برگزیده ات می گذری؟! پاسخ رسید: ملائکه من! آرام و قرار داشته باشید که به عزت خودم سوگند! انتقام او را خواهیم گرفت. سپس امامان از نسل حسین را به آنها نشان داد که یکی از آنها به نماز

۱. عن أبي جعفر في حديث أن الحسين قال: .. يظهر الله قائمنا فينتقم من الظالمين فقبل له: يا ابن رسول الله! من قائمكم؟ قال: السابع من ولد ابني محمد بن علي وهو الحجة بن الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي ابني وهو الذي يغيب مدة طويلة ثم يظهر ويملا الأرض قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما. (اثبات الهداة، ج ۳، ۵۶۹ [از اثبات الرجعة])

ایستاده بود و به ملائکه گفت: به آن که ایستاده است انتقام حسین را خواهم گرفت.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود:

پس از ماجرای عاشورا و گریه و زاری ملائکه، خداوند، سایه قائم را به آنها نشان داد و فرمود: به وسیله این، انتقام حسین را خواهم گرفت.<sup>۲</sup>

از امام باقر علیه السلام روایت شده:

... سپس خداوند از پیامبران پیمان گرفت: آیا من پروردگارتان نیستم؟ و این که محمد، پیامبر من و علی امیرالمؤمنین است؟ گفتند: آری. پس از این پیمان، به مقام پیامبری رسیدند و از «اولوالعزم» این پیمان اضافه گرفته شد که: جانشینان علی، سرپرستان امر و خزانه داران دانش من هستند و مهدی، همانی است که به وسیله او دینم را یاری خواهم رساند و حکومتم را به وسیله او آشکار خواهم کرد و از دشمنانم انتقام خواهم گرفت. اولوالعزم نیز پیمان بستند...<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود:

... آن گاه که قائم ما بپا خیزد، خداوند انتقام پیامبر و ما را خواهد گرفت.<sup>۴</sup>

از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «آنها نیرنگ خود را بکار می بندند» روایت شده:

آنها با پیامبر خدا و علی و فاطمه از در نیرنگ وارد شدند و خداوند هم به پیامبرش

۱. عن أبي حمزة ثابت بن دينار الثمالي: سألت أبا جعفر محمد بن علي الباقر: يابن رسول الله! ... فلم سمى القائم قائماً؟ قال: لما قتل جدِّي الحسين ضجَّت عليه الملائكة إلى الله تعالى بالبكاء والنحيب وقالوا «إلهنا وسيدنا أتغفل عمن قتل صفوتك و ابن صفوتك و خيرتك من خلقك؟» فأوحى الله عزوجل اليهم: قروا ملائكتي فوعزتي و جلالى لانتقمن منهم ولو بعد حين. ثم كشف الله عزوجل عن الأئمة من ولد الحسين للملائكة فشرت الملائكة بذلك فإذا أحدهم قائم يصلى فقال الله عزوجل: بذلك القائم أنتقم منهم. (علل الشرائع ج ١٦٠؛ دلائل الامامة، ٢٣٩ [أخبرني علي بن هبة الله قال حدثنا أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى ...])

۲. قال أبو عبدالله: لما كان من أمر الحسين ما كان ضجَّت الملائكة إلى الله بالبكاء وقالت: يفعل هذا بالحسين صفيك و ابن نبيك؟! فأقام الله لهم ظلَّ القائم و قال: بهذا أنتقم لهذا. (الكافي، ج ١، ٤٦٥، ح ٦؛ الامالی شيخ طوسی، ج ٢، ٣٣ [أخبرنا محمد بن محمد قال أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن عبيد عن علي بن أسباط ...])

۳. عن أبي جعفر: ... ثم أخذ الميثاق على النبيين فقال: ألسنت بربكم؟ ثم قال: و أن هذا محمد رسول الله و أن هذا علي أمير المؤمنين؟ قالوا: بلى. فثبتت لهم النبوة و أخذ الميثاق على أولى العزم ألا ينزى عن رسول الله و علي أمير المؤمنين و أوصيائه من بعده ولاة أمرى و خزائن علمى و أن المهدي أنتصر به لدينى و أظهر به دولتى و أنتقم به من أعدائى و أعبد به طوعاً و كرهاً قالوا: أقرنا و شهدنا يا رب. و لم يجحد آدم و لم يقز فثبتت العزيمة لهؤلاء الخمسة فى المهدي و لم يكن لأدم عزم على الإقرار به ... (بصائر الدرجات، ٧٠؛ الكافي، ج ٢، ٨، ح ١ [محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن داود العجلي عن زرارة ...])

۴. عن أبي عبدالله: ... ثم إذا قام قائمنا انتقم الله لرسوله و لنا أجمعين. (قصص الانبياء، ٨٠)

وحی فرستاد: محمد! آنها نیرنگ خود را به کار می‌بندند و من نیز نیرنگی خواهم بست؛ بنابراین، آنها را تا زمان بیا خواستن قائم مهلت ده که او انتقام مرا از ستم‌کاران و طاغوتان قریش و امویان و دیگر مردم خواهد ستانید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در پاسخ مفضل بن عمر درباره تفسیر آیه «فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءً» فرمود:

تقیّه در زمان رویارویی برطرف خواهد شد و از دشمنان خداوند انتقام گرفته خواهد شد (عیاشی، بی تا: ج ۲، ۳۵۱).

به گزارش عباد بن محمد:

یک بار در مدینه و پس از آن که نماز ظهر امام صادق علیه السلام به پایان رسیده بود، خدمت حضرت رسیدم و دیدم دستانش را به آسمان بلند کرده و چنین دعا می‌کند: ... پس از پایان دعای حضرت، پرسیدم: این دعا را در حق خودتان کردید؟ فرمود: خیر؛ برای روشنایی خاندان محمد و پیشران آنها و انتقام گیرنده از دشمنان شان دعا کردم.<sup>۲</sup>

از یحیی بن فضل روایت شده:

در شهر بغداد درحالی حضور امام کاظم علیه السلام رسیدم که نماز عصرش را به جا آورده بود و چنین دعا می‌کرد: ... خدایا! تو را با نام مخفی و زنده و ایستاتیت - که هرکه تو را با آن بخواند، بی پاسخ نمی‌ماند - می‌خوانم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و فرج انتقام گیرنده از دشمنانت را سرعت بخشی و آنچه را به او وعده دادی به انجام رسانی...<sup>۳</sup>

از احمد بن اسحاق اشعری نقل شده:

در حالی خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم که تصمیم داشتم از او درباره جانشینش جويا شوم ... از ایشان نشانه‌ای خواستم که فرزند حضرت به زبان عربی

۱. عن أبي بصير في قوله ... «إنهم يكيّدون كيداً» قال [الإمام الصادق]: كادوا رسول الله و كادوا علياً و كادوا فاطمة فقال الله: يا محمد! إنهم يكيّدون كيداً و أكيد كيداً فمهل الكافرين يا محمد! أمهلهم رويداً لوقت بعث القائم فينتقم لي من الجبارين و الطواغيت من قریش و بنی أمية و سائر الناس. (تفسیر قمی، ج ۲، ۴۱۶)

۲. عن عباد بن محمد المدائني: دخلت على أبي عبد الله بالمدينة حين فرغ من مكتوبة الظهر و قد رفع يديه إلى السماء و يقول: ... قلت: أليس قد دعوت لنفسك؟ جعلت فداك! قال: دعوت لنور آل محمد و سائقيهم و المنتقم بأمر الله من أعدائهم. (فلاح السائل، ۱۷۰)

۳. يحيى بن الفضل النوفلي: دخلت على أبي الحسن موسى بن جعفر ببغداد حين فرغ من صلاة العصر فرغ يديه إلى السماء و سمعته يقول: ... أسألك باسمك المكنون المخزون الحى القيوم الذى لا يخبى من سألك به أن تصلى على محمد و آله و أن تعجل فرج المنتقم لك من أعدائك و أنجز له ما وعدته يا ذا الجلال و الإكرام. (فلاح السائل، ۱۹۹ و ۲۰۰)

فصیح فرمود: من باقیمانده خداوند بر روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنانش هستم؛ پس از دیدن این صحنه، دیگر نشانه نخواه.<sup>۱</sup>

در دعای ندبه نیز این گونه زمزمه می‌نمائیم:

أین الطالب بذحول الانبیاء و أبناء الأنبیاء أین الطالب بدم المقتول بکربلاء.  
البته همان گونه که از مضمون مشترک تمامی روایات بالا به دست می‌آید، امام زمان مأموریت کشتار تمامی اهل شرک و کفر را ندارد؛ چراکه مأموریت ایشان در راستای «انتقام» تنظیم شده است و «انتقام»، به خودی خود گویای ماهیت کسانی که گرفتار تیغ حضرت خواهند شد، هست. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که نصیب هر کافر و مشرکی، از حکومت امام زمان، مرگ و کشتار باشد. از این رو عبارت «قاتل کل قبيلة من أهل الشرک»، با توجه به قرینه یاد شده، اشاره به مشرکان و کافرانی خواهد داشت که در قالب «قبیله» و گروه، در برابر حکومت حضرت، صف‌آرایی کرده و تصمیم به مقابله داشته باشند.

### پیروز جهانی

ألا! إنه فاتح الحصون و هادمها.

ألا! إنه لا غالب له و لا منصور علیه.

در این زمینه، روایت معروف و متواتر میان شیعه و اهل تسنن، بهترین شاهد و گواه است:

میلاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً (کلینی، ۱۳۶۳ ش: ج ۱، ۳۳۸، ح ۷؛ و...)  
گذشته از این روایت معروف و متواتر، در تعدادی از روایات نیز به پیروزی و غالب بودن حضرت تصریح شده که گویای شهرت این لقب، نسبت به امام زمان نیز هست. در ادامه تعدادی از این روایات را مرور می‌نماییم:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

قائم ما با ترس و یاری، کمک می‌شود و زمین زیرپای او به سرعت طی می‌گردد و تمامی گنجینه‌ها برای او آشکار خواهد شد و خداوند متعال به وسیله او دینش را بر تمامی دینها آشکار خواهد کرد حتی اگر دل خواه مشرکان نباشد و حکومت او تمامی زمین را فرا خواهد گرفت و تمامی ویرانه‌های زمین، آباد خواهد شد و عیسی بن مریم از



۱. عن أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري: دخلت على أبي محمد الحسن بن علي وأنا أريد أن أسأله عن الخلف بعده... فقلت له: يا مولاي! فهل من علامة يطمئن إليها قلبي؟ فنطق الغلام بلسان عربي فصيح فقال: أنا بقية الله في أرضه و المنتقم من أعدائه فلا تطلب أثراً بعد عين يا أحمد بن إسحاق. (كمال الدين، ج ۲، ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱)

آسمان فرود آمده، پشت سر ایشان نماز خواهد گزارد.<sup>۱</sup>

آن حضرت همچنین در دعای خود از خداوند چنین درخواست نمود:

... خدایا تو را به همان حقی که پیش خاندان پیامبرت قرار داده و مقام و جایگاهی که به آنها داده‌ای می‌خوانم که ... یاری دینت را در کنار رهبری هدایتگر و یاری شده از خاندان پیامبرت روزی ما گردانی و ما را در کنار او و زیر پرچم او از شهیدان ثابت قدم در راه خود و یاری دینت قرار دهی...<sup>۲</sup>

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده:

قائم ما با ترس و یاری، کمک می‌شود و زمین زیر پای او طی می‌شود و گنج‌ها بر او آشکار خواهد گشت...<sup>۳</sup>

سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «هرکه مظلومانه کشته شد، برای ولی خون او قدرت و حقی در نظر گرفته ایم و باید که در کشتن، اسراف نکند که او یاری شده است» روایت کرده:

منظور از این «کشته مظلوم» حسین بن علی است و «ولی خون» او نیز ما هستیم و هرگاه قائم ما برخواست، انتقام خون او را خواهد گرفت و آن‌گاه خواهد کشت که می‌گویند اسراف کرده... او [= سیدالشهدا] یاری شده است و دنیا به پایان نخواهد رسید مگر آن‌که به وسیله مردی از خاندان پیامبر، یاری خواهد شد که زمین را پر از عدالت خواهد کرد...<sup>۴</sup>

۱. حدثنا صفوان بن یحیی قال حدثنا محمد بن حمران: قال الصادق جعفر بن محمد: إن القائم منا منصور بالربع مؤید بالنصر تطوی له الأرض و تظهر له الكنوز كلها و يظهر الله تعالی به دینه علی الدین كله ولو کره المشرکون و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و لا یبقی فی الارض خراب إلا عمر و ينزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه. (مختصر اثبات الرجعة، ۲۱۶ و ۲۱۷ و ص ۱۱۷ [حدثنا محمد بن اسماعیل بن بزيع عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر]. نیز: اثبات الهداة، ج ۳، ۵۷۰، [از اثبات الرجعة تألیف فضل بن شاذان])

۲. الحسين بن الحسن الحسينی قال حدثنا محمد بن موسی الهمدانی قال حدثنا علی بن حسان الواسطی قال حدثنا علی بن الحسين العبدی: سمعت أبا عبد الله یقول: ... اللهم إني أسألك بالحق الذي جعلته عندهم و بالذي فصلتهم علی العالمین جميعاً أن ... و ارزقنا نصر دینک مع ولی هاد منصور من أهل بیت نبيک و اجعلنا معه و تحت رايته شهداء صديقين فی سبيلک و علی نصره دینک ... (تهذيب الاحكام، ج ۳، ۱۴۳-۱۴۷)

۳. محمد بن محمد بن عصام قال حدثنا محمد بن يعقوب الكليني قال حدثنا القاسم بن العلاء قال حدثني إسماعيل بن علی القزويني قال حدثني علی بن إسماعيل عن عاصم بن حميد الحنط عن محمد بن مسلم الثقفي: سمعت أبا جعفر محمد بن علی الباقر یقول: القائم منا منصور بالربع مؤید بالنصر تطوی له الأرض و تظهر له الكنوز ... (كمال الدين، ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۶)

۴. سلام بن مستنیر عن أبي جعفر فی قوله «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا یسرف فی القتل إنه کان منصوراً»: هو الحسين بن علی قتل مظلوماً و نحن أولیاءه و القائم منا إذا قام طلب بثأر الحسين فيقتل حتى یقال قد أسرف فی القتل

امام باقر علیه السلام در پاسخ حمران که گفته بود نسل امام مجتبی علیه السلام ادعا دارند که قائم از آنها است و پسر محمد حنفیه نیز چنین ادعایی دارد. فرمود:

به خدا سوگند! صاحبان امر، ما هستیم و قائم و سفاح و منصور از ما هستند و همان گونه که خداوند فرموده «هر که مظلومانه کشته شد، برای ولی خون او قدرت و حقی در نظر گرفته ایم و باید که در کشتن، اسراف نکند» مائیم که ولی خون حسین و بر دین او هستیم.<sup>۱</sup>

از امام صادق علیه السلام نیز همین محتوا نقل و روایت شده است.<sup>۲</sup>  
در زیارت عاشورا نیز این گونه از خداوند درخواست داریم:

وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ...  
و در دعای ندبه نیز این گونه ناله می‌زنیم:

أَيْنَ هَادِمِ أُنْبِيَةِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ أَجْمَعِينَ .. أَيْنَ الْمَنصُورِ عَلِيٍّ مِنْ أَعْتَدِي عَلَيْهِ وَافْتَرِي.  
در منابع اهل تسنن نیز شواهدی از این حقیقت یافت می‌شود:

روایت شده پیامبر خدا در ساعات پایانی عمر مبارک خویش به دختر داغدارش فرمود: فاطمه! به خدایی که مرا فرستاد سوگند! که مهدی این امت از نسل حسن و حسین خواهد بود؛ وقتی که دنیا را هرج و مرج و فتنه دربر گرفت و راه‌ها ناامن شد و مردم رو به غارتگری آورده و رحم و احترام از میانشان رخت بر پرست؛ خداوند مردی را از نسل آن دو برخواهد انگيخت که دژهای گمراهی و دل‌های بسته را فتح خواهد کرد و قیامی دینی در آخرالزمان به راه خواهد انداخت و زمین را از عدالت آکنده خواهد ساخت...<sup>۳</sup>

.. «إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» فَإِنَّهُ لَا يَذْهَبُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَصِرَ بِرَجُلٍ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا. (تفسیر العیاشی، ج ۲، ۲۹۰)

۱. حمران عن أبي جعفر، قلت له: يابن رسول الله! زعم ولد الحسن أن القائم منهم وأنهم أصحاب الأمر ويزعم ولد ابن الحنفية مثل ذلك. فقال: نحن والله أصحاب الأمر وينا القائم و منّا السفاح و المنصور و قد قال الله «و من قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا» نحن أولياء الحسين بن علي و علي دینه. (تفسیر العیاشی، ج ۲، ۲۹۱)

۲. عن رجل: سألت أبا عبد الله في قوله تعالى «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل إنّه كان منصوراً»: ذلك قائم آل محمد يخرج فيقتل بدم الحسين فلو قتل أهل الأرض لم يكن مسرفاً .. يقلت والله ذراري قتلة الحسين بفعال آياتها. (کامل الزیارات، ۶۳)

۳. ... يا فاطمة والذى بعثني بالحق إن منهما مهدي هذه الأمة إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا كبير يرجم صغيراً و لا صغير يوقر كبيراً فيبعث الله عزوجل عند ذلك منهما من يفتح حصون الضلالة و قلوباً غلفاً يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت به في أول الزمان و يملأ الدنيا عدلاً كما ملئت جوراً... (المعجم الكبير، ج ۳، ۵۲)



## ریشه‌ای عمیق

ألا! إنَّه الغراف فی بحر عمیق.

این عبارت لافل به دو صورت قابل فهم و ترجمه است:

الف) امام زمان، آب از دریایی عمیق بر می‌دارد.<sup>۱</sup>

بر اساس این ترجمه، این گونه به دست می‌آید که امام زمان از پشتوانه‌ای عمیق و بی‌کران در تمامی زمینه‌ها برخوردار است که هیچگاه پایان و نقصان نخواهد داشت.

ب) امام زمان، ریشه در دریایی عمیق دارد.

بر این اساس، امام زمان، خاندان و اصالتی استوار و عمیق دارد که هیچگاه هیچ‌کس قابل مقایسه و برابری با ایشان نخواهد بود.

هر دو ترجمه اشاره به حقیقتی ثابت درباره امام زمان دارند که برخی شواهد آنها در مطالب همین مقاله ذکر شده یا خواهد شد. بنابراین هرچند بر اساس جستجوی صورت گرفته، در سایر منابع، چنین تعبیری یافت نشد؛ ولی این نکته، باعث تضعیف آن نخواهد شد چرا که همان گونه که اشاره شد، این محتوا از مضامین ثابت در مهدویت است و قابل شک و تردید نیست. به عنوان نمونه در زمینه اصالت خانوادگی امام زمان می‌توان به جمله معروفی که در زیارت‌های سیدالشهداء آمده اشاره داشت:

من گواهی می‌دهم که تو نوری در پشت پدران و رحم مادران بودی و هیچ‌گاه رفتارهای جاهلانه نور تو را آلوده ننمود (ر. ک به عنوان نمونه: طوسی، ۱۴۱۳ق: ۷۲۱).

## نشان‌گذار

ألا! إنَّه یسم کلّ ذی فضل بفضله و کلّ ذی جهل بجهله.

در روایات فراوانی از آگاهی امامان از حقیقت افراد و برخورد بر اساس این دانش سخن به میان آمده است. گوشه‌ای از این روایات را از کتاب شریف «بصائر الدرجات» مرور می‌نماییم:

به فرموده امام باقر (علیه السلام): میان دو چشم تمامی انسان‌ها مؤمن یا کافر بودن او نقش بسته و تنها امامان از خاندان پیامبر خدا توان درک آن را دارند. حضرت سپس این آیه را تلاوت فرمود: «در آن، نشانه‌هایی برای اهل سیما قرار دارد» و اهل سیما را به

۱. زبیدی درباره این لغت می‌نویسد: .. غرف الماء بیده یغرفه بالكسر و یغرفه بالضم عرفا: أخذه بیده، کاغرفه و اغترف منه .. و بئر غروف: یغترف ماؤها بالید .. و العراف من الأنهر: الكثير الماء .. غیث غراف: غزیر .. (تاج العروس، ماده «غرف»)

### اهل بیت تفسیر فرمود.<sup>۱</sup>

آن حضرت در روایتی دیگر، آیه یاد شده را به امامان تفسیر فرمود و از پیامبر خدا ﷺ چنین نقل نمود: «از زیرکی مؤمن برحذر باشید که او با روشنائی الهی مشاهده می‌کند» و سپس این آیه را در ادامه سخنان خود جای داد.<sup>۲</sup>

در میان اهل بیت، به صورت ویژه از امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان «صاحب المیسم» یاد شده است. (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۳ق: ۷۴۲؛ صفار، ۱۳۶۳ش: ۲۲۰ و ۲۲۲؛ و...) و در برخی از این روایات به نقش ویژه امام زمان در این زمینه تصریح شده است: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آن‌گاه که قائم به پا خیزد، خوبی یا بدی هرکس که در برابرش قرار بگیرد را تشخیص می‌دهد چرا که در او نشانه‌ای برای اهل سیما قرار داد...<sup>۳</sup>

آن حضرت همچنین فرمود:

آن‌گاه که قائم خاندان پیامبر به پا خیزد قضاوت داودی خواهد داشت و از کسی شاهد نخواهد خواست؛ چرا که خداوند، حکم هر ماجرای را به او الهام خواهد کرد و به هرکس خبر از آنچه در دل پنهان کرده خواهد داد و دوست و دشمن خود را از سیما خواهد شناخت و این همان کلام خداوند متعال است که فرمود: در آن، نشانه‌هایی برای اهل سیما قرار دارد.<sup>۴</sup>

وقتی معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام درباره آیه «گناهکاران با سیمای شان شناخته شده و از پیشانی و پاهای شان گرفته می‌شوند» جویا شد؛ حضرت فرمود:

دیگران در این باره چه می‌گویند؟ گفت: گمان دارند خداوند در روز قیامت، گناهکاران

۱. عن أبي جعفر: ليس مخلوق إلا و بين عينيه مكتوب أنه مؤمن أو كافر و ذلك محبوب عنكم و ليس بمحجوب من الأئمة من آل محمد ليس يدخل عليهم أحد إلا عرفوه هو مؤمن أو كافر. ثم تلا هذه الآية «إن في ذلك لآيات للمتوسمين» فهم المتوسمون. (بصائر الدرجات، ۳۷۴)

همین مضمون به سندهای دیگری در صفحات ۳۷۵ و ۳۷۷ و ۳۷۸ به چشم می‌خورد.

۲. عن أبي جعفر في قول الله عزوجل «إن في ذلك لآيات للمتوسمين»: هم الأئمة؛ قال رسول الله «اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله في قوله «إن في ذلك لآيات للمتوسمين»». (بصائر الدرجات، ۳۷۵)

به این مضمون در روایت دیگری به سندی دیگر در ص ۳۷۷ نیز تصریح شده است.

۳. قال أبو عبد الله: إذا قام القائم لم يقم بين يديه أحد من خلق الرحمان إلا عرفه صالح هو أم طالح لأن فيه آية للمتوسمين و هي بسبيل مقيم. (كمال الدين، ۶۷۱، باب ۵۸، ح ۲۰)

۴. روی عبدالله بن عجلان عن أبي عبدالله: إذا قام قائم آل محمد حكم بين الناس بحكم داود؛ لا يحتاج إلى بينة يلهمه الله تعالى فيحكم بعلمه و يخبر كل قوم بما استبطنوه و يعرف وليه من عدوه بالتوسم؛ قال الله سبحانه «إن في ذلك لآيات للمتوسمين و إنها لسبيل مقيم». (الارشاد، ۳۶۵)

را از سیمایشان می‌شناسد و دستور دستگیری آنها را می‌دهد. حضرت فرمود: خداوند متعال چه نیازی به شناخت کسانی دارد که خودش آنها را آفریده؟! پرسید: پس معنای آیه چیست؟ فرمود: آن‌گاه که قائم ما قیام کند خداوند علم سیمایا به او می‌دهد و کافر را با آن تشخیص داده دستور دستگیری و اعدامش را صادر می‌کند.<sup>۱</sup>

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده:

گویا قائم و یارانش را در شهر نجف می‌بینم که توشه آنها به سر رسیده و لباسهایشان کهنه گشته و جای سجده در پیشانی آنها آشکار است و شیران روز و عابدان شب هستند و قلب‌هایی همچون پاره آهن دارند و به هریک از آنها نیروی چهل مرد داده می‌شود و مولای آنها به آنها علم سیمایا می‌دهد به گونه‌ای که جز کافر و منافق، کس دیگری را نمی‌کشند و این عده همان‌ها هستند که در این آیه قرآن از آنها یاد شده «در آن، نشانه‌هایی برای اهل سیمایا قرار دارد».<sup>۲</sup>

### برگزیده خداوند

ألا! إنه خيرة الله و مختاره.

در این‌که امامان معصوم، برگزیدگان خداوند متعال هستند تردیدی نیست. به این حقیقت با الفاظ مختلفی در روایات فراوانی تصریح شده است. این روایات با بیان عامی که دارند، شامل امام زمان نیز می‌شوند؛ بنابراین حتی اگر در این زمینه، روایتی ویژه امام زمان یافت نشود ایراد و مشکل به شمار نمی‌آید و همین اندازه برای اثبات مطلب درباره امام زمان نیز کافی است. یکی از این الفاظ «خیره الله» است که در ادامه به عنوان نمونه، به برخی روایات آن اشاره می‌کنیم:

در زیارت معتبر و مشهور جامعه کبیره، چنین اعتراف می‌کنیم:

۱. عن أبي عبد الله في قول الله عزوجل «يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي والأقدام» فقال: يا معاوية! ما يقولون في هذا؟ قلت: يزعمون أن الله تبارك وتعالى يعرف المجرمون بسيماهم يوم القيامة فيأمر بهم فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم و يلقون في النار. فقال لي: وكيف يحتاج الجبار تبارك وتعالى إلى معرفة خلق أنشأهم و هو خلقهم. فقلت: فما ذاك؟ جعلت فداك! قال: ذلك أو قد قام قائمنا أعطاه الله السيمایا فيأمر بالكافر فيؤخذ بنواصيهم و أقدامهم ثم يخطب بالسيف خبطاً. (بصائر الدرجات، ۳۷۶)

۲. أحمد بن محمد الأيادي يرفعه إلى جابر عن الإمام الباقر: كأنني أنظر إلى القائم و أصحابه في نجف الكوفة كأن علي رؤوسهم الطير فنبت أزوادهم و خلقت ثيابهم قد أتر السجود بجباههم ليوث بالنهار و رهبان بالليل كأن قلوبهم زبر الحديد يعطى الرجل منهم قوة أربعين رجلا و يعطيهم صاحبهم التوسم لا يقتل أحد منهم إلا كافراً أو منافقاً فقد وصفهم الله بالتوسم في كتابه «إن في ذلك لآيات للمتوسمين». (منتخب الانوار المضية، ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ۳۸۶) [از کتاب الغيبة سيد علی بن عبد الحمید]

... السلام على أئمة الدعوة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة وأهل الذكر و  
أولى الأمر وبقية الله وخيرته وحبسه وعبية علمه وحبته وصراطه ونوره وبرهانه و  
رحمة الله وبركاته....

امام باقر عليه السلام می فرماید:

ما کنار خدا و برگزیدگان و انتخاب شدگان او و میراث دار پیامبران هستیم... و ما  
فرمانده سپیدرویان و منتخبان خداییم...<sup>۱</sup>

امام رضا عليه السلام از پدراناش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت فرمود:

هر که دوست دارد به شاخه سرخی که خداوند به دستان خود [در بهشت] کاشته  
بنگرد و چنگ بزند، پیرو علی و امامان از نسل او باشد که برگزیدگان و انتخاب شدگان  
خدایند و از هر گناه و اشتباهی معصومند.<sup>۲</sup>

امام صادق عليه السلام نیز فرمود:

ما برگزیدگان خداوند از میان آفریده هایش هستیم و شیعیان ما نیز برگزیدگان خداوند  
از میان امت پیامبرش هستند.<sup>۳</sup>

همچنین این لقب، به صورت ویژه درباره چندتن از معصومان به کار رفته است که عبارتند  
از:

پیامبر صلی الله علیه و آله (طوسی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۲؛ کلینی، ۱۳۶۳ش: ج ۸، ح ۱۹۴ و ح ۳۱۶؛ ابن قولویه،  
۱۳۸۰ش: ۵۸؛ شیخ مفید، م ۲۱، ح ۱)

امیرالمؤمنین (ابن قولویه، ۱۳۸۰ش: ۳۲۸ و ۴۰۹؛ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۶۳ [یا علی! أنت و  
ولدای خیرة الله من خلقه])

و سیدالشهداء (ابن قولویه، ۱۳۸۰: ۳۲۸ و ۴۰۹)

### ولی خداوند

ألا! إنه المفوض إليه.

۱. عن أبي جعفر: نحن جنب الله و نحن صفوته و نحن خيرته و نحن مستودع مواريث الأنبياء ... و نحن قادة الغر  
المحجلين و نحن خيرة الله .... (بصائر الدرجات، ۸۳، کمال الدين، ۲۰۵ و ۲۰۶، باب ۲۱، ح ۲۰؛ الامالی شیخ طوسی، م ۳۴، ح ۴)

۲. حدثني سيدي علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آبائه عن النبي: من سره أن ينظر إلى القضيب الأحمر الذي غرسه الله  
بيده و يكون متمسكاً به فليتلو علياً و الأئمة من ولده فإنهم خيرة الله عزوجل و صفوته و هم المعصومون من كل ذنب و  
خطيئة. (الامالی شیخ صدوق، م ۸۵، ح ۲۷؛ عيون اخبار الرضا، ج ۱، ۶۲)

۳. سمعت جعفر بن محمد يقول: نحن خيرة الله من خلقه و شيعتنا خيرة الله من أمة نبيه. (الامالی شیخ مفید، م ۳۶، ح ۶؛  
الامالی شیخ طوسی، م ۳، ح ۲۲ [از شیخ مفید به همان سند و متن])

ألا! وإنه ولي الله في أرضه و حكمه في خلقه و أمينه في سرّه و علانيته.

درباره این که امامان معصوم، «ولی» خداوند متعال در زمین به شمار می آیند تردیدی نیست و حدیث متواتر غدیر که به صراحت از «مولى» و سرپرست جامعه سخن گفته، بزرگترین دلیل گویای این حقیقت است. اما درباره تفویض به اهل بیت؛ روایات درباره حیطه اختیارات اهل بیت در امور دینی و سیاسی مردم، کم نیست و مضمون مشترکی دارند که شامل تمامی امامان از جمله امام زمان می شوند و ما را از جستجوی روایت ویژه درباره امام زمان بی نیاز می نمایند. در ادامه به عنوان نمونه به بخشی از آنها اشاره می شود:

به فرموده امام صادق علیه السلام:

خداوند پیامبرش را چنان تربیت کرد تا آن گونه که اراده کرده حرکت کند؛ سپس امور را به او واگذار نمود و فرمود «هر آنچه پیامبر به شما رسانید را بپذیرید و هر آنچه شما را از آن برحذر داشت، رها کنید» و هرآن چه به پیامبر واگذار شده به ما نیز واگذار شده است.<sup>۱</sup>

به گفته موسی بن اشمیم:

یک بار که نزد امام صادق علیه السلام شرفیاب شده بودم از ایشان مسئله ای پرسیدم و حضرت پاسخ داد. در همان زمان، شخص دیگری وارد شد و همان پرسش را از حضرت مطرح کرد ولی حضرت، پاسخ دیگری به او داد و پس از وی شخص سومى آمد و حضرت به همان پرسش وی، پاسخ سومى داد! این ماجرا بر من گران آمد. وقتی جمعیت، پراکنده شدند نگاهی به من انداخت و فرمود: گویا نگران شده ای؟! گفتم: فدایت شوم! سه پاسخ به یک مسئله؟! فرمود: خداوند امور مملکت را به حضرت داود واگذار کرد و فرمود «این روزی ما است؛ خواه منت بنه و خواه اندازه نگه دار که حساب و کتابی نداری» همان گونه به ما امامان نیز آنچه را به پیامبرش واگذار کرده و گذاشته؛ نگران نباش.<sup>۲</sup>

۱. عن أبي عبد الله: إن الله أدب رسوله حتى قومه على ما أراد ثم فوض إليه فقال «ما أتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا» فما فوض الله إلى رسوله فقد فوضه إلینا. (بصائر الدرجات، ۴۰۳ و ۴۰۵؛ الکافی، ج ۱، ۲۶۸، ح ۹ [از صفارا])  
 ۲. عن موسی بن اشمیم: دخلت علی ابي عبد الله فسألته عن مسألة فأجابني فبیننا أنا جالس إذ جاء رجل فسأله عنها بعینها فأجابہ بخلاف ما أجابني ثم جاء آخر فسأله عنها بعینها فأجابہ بخلاف ما أجابني و أجاب صاحبی ففزعت من ذلك و عظم علی فلما خرج القوم نظر إلى فقال: یابن اشمیم! کأنک جزعت! قلت: جعلنی الله فداک! إنما جزعت من ثلاث أقاویل فی مسألة واحدة فقال: یابن اشمیم! إن الله فوض إلى داود أمر ملکه فقال «هذا عطاءنا فامنن أو أمسک بغير حساب» و فوض إلى محمد أمر دینه فقال «ما أتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا» فإن الله تبارک و تعالی فوض إلى الأئمة منا و إلینا ما فوض إلى محمد فلاتجزع. (بصائر الدرجات، ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶؛ الکافی، ج ۱، ۲۶۵ و ۲۶۶، ح ۲)

ابواسحاق نحوی می‌گوید:

نزد امام صادق علیه السلام رفتم و شنیدم که می‌فرمود: خداوند پیامبرش را بر دوستی خودش تربیت نمود و فرمود «تو بر اخلاق بزرگی قرار داری» سپس به او واگذار کرد و فرمود «هرچه پیامبر به شما داد بپذیرید و از هرچه نهیتان کرد، کناره بگیرید» و فرمود «هرکه از پیامبر پیروی کند، پیروی خدا را کرده» پیامبر نیز [آنچه را در اختیارش بود] به علی واگذار کرد و او را در این زمینه امانتدار دید. این مسئله را شما شیعیان پذیرفتید ولی دیگران منکر شدند...<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام به برخی از افراد منحرف نیز چنین فرمود:

خداوند متعال پیامبرش را به نیکی تربیت نمود و پس از تکمیل تربیت فرمود «تو بر اخلاق بزرگی قرار داری» سپس امر دین و امت را به او واگذار نمود تا آنها را تدبیر کند و فرمود «هر آنچه پیامبر برای تان آورد بپذیرید و از هرچه نهی تان کرد واگذارید» پیامبر، یاری شده و تقویت شده به وسیله روح القدس بود و خطا و لغزشی در سیاست گذاری خود نداشت و تربیت الهی را پذیرفته بود...<sup>۲</sup>

محمد بن سنان گوید:

نزد امام جواد علیه السلام بودم و سخن از اختلاف میان شیعیان به میان آوردم. حضرت فرمود: خداوند محمد و علی و فاطمه را آفرید و زمانی طولانی را به تنهایی گذراندند تا سایر آفریدگان به آنها افزوده شدند و آنها را بر آفرینش خلقت، شاهد و گواه گرفت و پیروی از آنها را بر تمامی آفریده‌ها لازم کرد و امور آنها را به ایشان واگذار کرد؛ از این رو هرچه را بخواهند حلال و حرام اعلام می‌کنند ولی جز آنچه خواسته خدا باشد، نخواهند خواست.<sup>۳</sup>

۱. عن أبي إسحاق النحوي: دخلت على أبي عبد الله فسمعتة يقول: إن الله عزوجل أَدَبَ نبيّه علي محبته فقال «وإنك لعلی خلق عظیم» ثم فَوَّضَ إليه فقال عزوجل «و ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» و قال عزوجل «من يطع الرسول فقد أطاع الله» و إن نبي الله فَوَّضَ إلى علي و ائتمنه فسلمتم و جحد الناس ... (الكافي، ج ۱، ۲۶۵، ح ۱) [عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن أبي نجران عن عاصم بن حميد عن أبي إسحاق عن أبي جعفر ذكر نحوه]

۲. عن فضيل بن يسار: سمعت أبا عبد الله يقول لبعض أصحاب قيس الماصر: إن الله عزوجل أَدَبَ نبيّه فأحسن أدبه فلما أكمل له الأدب قال «إنك لعلی خلق عظیم» ثم فَوَّضَ إليه أمر الدين و الأمة ليسوس عباده فقال عزوجل «ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» و إن رسول الله كان مسدداً موقفاً مؤيداً بروح القدس لايزل و لا يخطئ في شيء مما يسوس به الخلق فتأدب بأداب الله ... (الكافي، ج ۱، ۲۶۶، ح ۴)

۳. عن محمد بن سنان: كنت عند أبي جعفر الثاني فأجريت اختلاف الشيعة فقال: يا محمد! إن الله تبارك و تعالى لم يزل منفرداً بوحدانيته ثم خلق محمداً و علياً و فاطمة فمكتوا ألف دهر ثم خلق جميع الأشياء فأشهدهم خلقها و أجرى طاعتهم عليها و فَوَّضَ أمورها إليهم فهم يحلون ما يشاؤون و يحرمون ما يشاؤون و لن يشاؤوا إلا أن يشاء الله تبارك و تعالى ...

ابن ابویعفور از امام صادق ع روایت کرده:

خداوند، تک و تنها بود و پس از آن که عده‌ای را آفرید، امور دین خود را به آنها واگذار کرد که ما باشیم؛ ما حجت خداوند در میان بندگان و گواهان وی بر آفریدگان و امانت‌داران وی بر وحی و خزانه‌داران دانشش هستیم...<sup>۱</sup>

امام صادق ع درباره امام زمان ع نیز فرمود:

اگر دیدی قائم به یک نفر صد هزار و به دیگری تنها یک درهم داد، بر تو گران نیاید؛ چراکه امور [مردم] به او واگذار شده است.<sup>۲</sup>

یاسر خادم می‌گوید:

از امام رضا ع درباره واگذاری به امامان جویا شدم. حضرت فرمود: خداوند متعال امور دین را به پیامبرش واگذار نمود و فرمود «هرآن چه پیامبر برایتان آورد بپذیرید و از هرچه نهیتان کرد رهاش کنید» ولی آفرینش و روزی به او واگذار نشده. سپس فرمود: خداوند متعال می‌فرماید «خدا است که همه چیز را آفریده» و می‌فرماید «خدا است که شما را آفریده و روزی داده و سپس می‌میراند و دوباره زنده می‌کند بگو آیا خدایانی که شما قبول دارید هیچ‌کدام شان توان چنین کارهایی را دارند؟ خداوند پاک و برتر است از شرک مشرکان».<sup>۳</sup>

زراره به امام صادق ع گفت:

یکی از فرزندان از نسل عبدالله بن سبا عقیده به تفویض دارد. حضرت از معنای تفویض جویا شد. زراره گفت: می‌گوید خداوند، محمد و علی را آفریده و امور خلقت و روزی و زندگی و مرگ آنها را به آندو واگذار کرده. حضرت فرمود: این دشمن خدا دروغ می‌گوید؛ وقتی پیش او برگشتی این آیه را برایش بخوان «آیا برای خداوند شریکانی قرار دادند که هم چون او آفریدگانی دارند و همین مسئله باعث شده به اشتباه

(الکافی، ج ۱، ۴۴۱، ح ۵)

۱. قال أبو عبد الله: إن الله واحد أحد متوحد بالوحدانية متفرد بأمره خلق خلقاً ففوض إليهم أمر دينه فنحن هم يابن

أبي يعفور! نحن حجة الله في عباده وشهداء على خلقه وأمناءه على وحيه وخزانه على علمه... (التوحيد، ۱۵۲)

۲. قال أبو عبد الله: إذا رأيت القائم أعطى رجلاً مائة ألف وأعطى آخر درهماً فلا يكبر في صدرك فإن الأمر مفوض إليه.

(بصائر الدرجات، ۴۰۶)

۳. عن ياسر الخادم: قلت للرضا: ما تقول في التفويض؟ فقال: إن الله تبارك وتعالى فوض إلى نبيه أمر دينه فقال «ما أتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا» فأما الخلق والرزق فلا. ثم قال: إن الله عز وجل يقول «الله خالق كل شيء» وهو يقول «الله الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم قل هل من شركاءكم من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه و تعالی عما يشركون». (عيون اخبار الرضا، ج ۱، ۲۱۹)

بیفتند؟! بگو خداوند، آفریدگار همه چیز است و تنها و چیره است»<sup>۱</sup>.

در زیارت جامعه کبیره نیز این تعبیر به چشم می خورد:

... و مقدمکم أمام طلبتی و حوائجی و إرادتی فی کلّ أحوالی و أموری مؤمن بسرکم و علانیتکم و شاهدکم و غائبکم و أولکم و آخرکم و مفوض فی ذلک کله إلیکم و مسلم فیہ معکم و قلبی لکم مؤمن...<sup>۲</sup>

در یکی دیگر از زیارات جامعه اهل بیت نیز چنین آمده است:

خدا را گواه می گیرم که من با هرکه با شما سر سازش داشته باشد، سازش می کنم و با هرکه با شما سر جنگ داشته باشد می جنگم؛ به پیدا و پنهان شما ایمان دارم و در تمامی این موارد، امور را به شما واگذار کرده ام...<sup>۲</sup>

براساس روایاتی که گذشت می توان گفت در این که پیامبر ﷺ و خاندان معصوم ایشان، خاستگاه احکام الهی و تنها منبع مورد اعتماد برای شناخت دین حق هستند تردیدی نیست. آنچه اهمیت دارد این که:

الف) نحوه بیان احکام الهی، بسته به تشخیص معصوم از زمان و مکان و شرائط موجود است که علم آن را نیز خداوند در اختیار وی قرار داده.

ب) همچنین نوع تدبیر جامعه و سیاستگذاری نیز - به همان بیان که گفته شد - بسته به تشخیص معصوم است.

ج) تشریح احکام الهی و همچنین آفرینش و تدبیر امور خلقت، به دست خداوند است و اهل بیت نیز بخشی از آفرینش الهی و محکوم به احکام الهی هستند.

البته تفصیل این ماجراها فرصت و مجال دیگری را می طلبد و در برخی کتب کلامی شیعی به مناسبت، به آن پرداخته شده است.

۱. روی زراره أنه قال: قلت للصادق: إن رجلاً من ولد عبد الله بن سبأ يقول بالتفويض. قال: وما التفويض؟ قلت: يقول إن الله خلق محمداً و علياً ثم فوض الأمر إليهما فخلقا و رزقا و أحبباً و أماناً. فقال: كذب عدو الله؛ إذا رجعت إليه فافراً عليه الآية التي في سورة الرعد «أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء و هو الواحد القهار». (الاعتقادات، ۱۰۰)

صدوق می افزاید: و قد فوض الله تعالى إلى نبيه أمر دينه فقال «و ما أتاكم الرسول فخذوه و ما نهاكم عنه فانتهوا» و قد فوض ذلك إلى الأئمة.

۲. ... أشهد الله أني سلم لمن سالمتم و حرب لمن حاربتم مؤمن بسرکم و علانیتکم مفوض فی ذلک کله إلیکم... (الکافی، ج ۴، ۵۷۹، ح ۲).



## میراث‌دار دانش

ألا إني وارث كل علم و المحيط به.

ألا! إني المخبر عن ربه عزوجل و المنبه بأمر إيمانه.

درباره علم اهل بیت و امامان معصوم، روایات فراوانی وجود دارد و منابع متعددی برای آن شمارش شده است که از عهده این مقاله بیرون است. یکی از این منابع که در این جملات به آن تصریح شده است، «وراثت» است که در روایات اهل بیت نیز شواهد آن آشکار است. در ادامه، برخی از این روایات را از کتاب شریف *بصائر الدرجات* مرور می‌نمائیم:

سیف تمار می‌گوید:

تعدادی از شیعیان در کنار امام صادق علیه السلام در حجر اسماعیل نشسته بودیم که حضرت فرمود: ... اگر میان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام حضور داشتم به آن دو می‌فهماندم که از آن دو دانایترم و چیزهایی به آن دو می‌گفتم که خبر نداشتند چراکه موسی و خضر از مطالب مربوط به گذشته اطلاع داشتند و از حوادث آینده آگاهی نداشتند ولی پیامبر خدا از تمامی آنها اطلاع داشت و ما نیز از ایشان این دانش را به ارث بردیم.<sup>۱</sup>

معاویة بن وهب نیز می‌گوید:

یک بار که از سوی امام صادق علیه السلام اجازه ورود یافتیم در میان سخنانش چنین فرمود: ای خدایی که ما را جانشینان (پیامبر) قرار داد و دانش گذشته و آینده را به ما روزی کرد و دل‌هایی از مردمان را هوادار ما و ما را میراث‌دار پیامبران قرار داد...<sup>۲</sup>

از امام باقر علیه السلام روایت شده:

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره میزان دانش پیامبر صلی الله علیه و آله جویا شدند، فرمود: دانش ایشان دانش تمامی پیامبران و مسائل گذشته و آینده را دربر می‌گرفت. سپس افزود: به خدایی که جانم در دست اوست سوگند! من نیز همان دانش پیامبر را دارم.<sup>۳</sup>

۱. عن سيف التمار: كنا مع أبي عبدالله جماعة من الشيعة في الحجر فقال: .. لو كنت بين موسى والخضر لأخبرتهما أتى أعلم منهما ولأنبأتهما بما ليس في أيديهما لأن موسى والخضر أعطيا علم ما كان ولم يعطيا علم ما هو كائن إلى يوم القيامة وإن رسول الله أعطى علم ما كان و ما هو كائن إلى يوم القيامة فورثناه من رسول الله وراثته. (ص ۱۴۹)

۲. عن معاوية بن وهب: استأذنت علي أبي عبدالله فأذن لي فسمعتة يقول في كلام له: يا من خصنا بالوصية وأعطانا علم ما مضى و علم ما بقي و جعل أفئدة من الناس تهوى إلينا و جعلنا ورثة الأنبياء ... (ص ۱۴۹)

۳. عن أبي جعفر: سئل علي عن علم النبي فقال: علم النبي علم جميع النبيين و علم ما كان و علم ما هو كائن إلى قيام الساعة. ثم قال: والذي نفسي بيده إني لأعلم علم النبي و علم ما كان و ما هو كائن فيما بيني و بين قيام الساعة. (ص ۱۴۷)

ضریس کناسی می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که به ابوبصیر فرمود: حضرت داود، میراث دار پیامبران بود که میراث او به حضرت سلیمان رسید؛ پیامبر نیز میراث دار حضرت سلیمان و سایر دانش ها بود و ما نیز میراث دار پیامبریم و کتاب های حضرت ابراهیم و الواح حضرت موسی نزد ما است...<sup>۱</sup>

آن حضرت در سخنی دیگر به ابوبصیر فرمود:

خداوند هیچ چیزی به پیامبران نداد مگر آن که همان چیز را به پیامبر خاتم نیز روزی کرده و صحف ابراهیم و موسی در نزد ما است.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام می فرماید:

پیامبر، امانت دار خداوند در زمین بود و پس از آن که از دنیا رفت، ما اهل بیت، وارثان او و امانت داران در زمین شدیم... و دانش او به ما به امانت سپرده شد و میراث دار پیامبران اولوالعزم شدیم...<sup>۳</sup>

آن حضرت همچنین فرمود:

... امیرالمؤمنین، هدیه الهی به محمد بود که دانش تمامی جانشینان و هرکه پیش از خود بود را به ارث برد...<sup>۴</sup>

ابن قیاما می گوید:

بر امام رضا علیه السلام وارد شدم و این درحالی بود امام جواد به دنیا آمده بود. حضرت فرمود: خداوند کسی را به من روزی کرده که میراث دار من و خاندان داود است.<sup>۵</sup>

از سوی دیگر، امام هر زمانی، در دوران خویش ارتباط علمی ویژه ای با ملکوت دارد و بخشی از دانش مورد نیاز خود را در زمان امامت خویش دریافت می نماید. در این زمینه نیز روایات

۱. عن ضریس الكناسی: كنت عند أبي عبد الله و عنده ابوبصير فقال أبو عبد الله: إن داود ورث الأنبياء و إن سليمان ورث داود و إن محمداً ورث سليمان و ما هناك و إننا ورثنا محمداً و إن عندنا صحف إبراهيم و ألواح موسى... (ص ۱۵۵)

۲. عن أبي بصير عن أبي عبد الله: يا أبا محمد! إن الله لم يعط الأنبياء شيئاً إلا و قد أعطى محمداً جميع ما أعطى الأنبياء و عندنا الصحف التي قال الله صحف إبراهيم و موسى. (ص ۱۵۶)

۳. عن أبي جعفر: إن محمداً كان أمين الله في أرضه فلما قبضه الله كنا أهل البيت ورثته فنحن أمناء الله في أرضه.. و استودعنا علمه و نحن ورثة أولى العزم من الرسل... (ص ۱۳۹)

۴. عن أبي جعفر: ... و إن علي بن أبي طالب هبة الله لمحمد ورث علم الأوصياء و علم من كان قبله أما إن محمداً ورث علم من كان قبله من الأنبياء و المرسلين. (ص ۱۴۱)

۵. عن ابن قياما: دخلت على أبي الحسن الرضا و قد ولد له أبو جعفر فقال: إن الله قد وهب لي من يرثني و يرث آل داود. (ص ۱۵۸)

فراوانی در دست است که به عمومیت خود، شامل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح نیز می‌شود؛ بنابراین هرچند در این زمینه روایتی ویژه امام زمان یافت نشد ولی این به خاطر وجود روایات عام در این زمینه است نه این که نسبت به امام زمان مستندی نداشته باشیم. در هر حال گوشه‌ای از روایات یاد شده را نیز از کتاب شریف *بصائر الدرجات* پی می‌گیریم:

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود:

هر شب جمعه ما نصیبتی از شادی داریم. مفضل از مراد امام جويا شد. حضرت این چنین توضیح فرمود: هر شب جمعه پیامبر به عرش الهی می‌رود و امامان نیز همراه او خواهند بود و روح ما به بدن مان باز نمی‌گردد مگر این که دانشی به دست آورده باشد و اگر چنین نباشد، دانش ما به پایان خواهد رسید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام همچنین فرمود:

هر شب جمعه رفت و آمدی نزد خداوند داریم و با دانشی نو باز می‌گردیم.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام از پیامبر این گونه روایت فرمود:

ارواح ما و پیامبران هر شب جمعه بر گرد عرش جمع می‌شوند و صبح هنگام، به جانشینان، دانشی فراوان روزی می‌شود.<sup>۳</sup>

راوی از امام صادق علیه السلام درباره منشأ دانش امامان جويا شد و حضرت این گونه پاسخ داد:

دانش امام به سه دسته گذشته و آینده و حال تقسیم می‌شود ... و علم حال امام آن چیزی است که در قلب یا گوش امام الهام می‌شود و این بهترین دانش امام است ولی هیچ پیامبری پس از پیامبر ما وجود ندارد.<sup>۴</sup>

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره منشأ دانش امام جويا شد. حضرت فرمود:

شبانۀ روز و در هر مناسبت و به تدریج تا روز قیامت بر امام نازل می‌شود.<sup>۵</sup>

۱. عن المفضل: قال لي أبو عبد الله ذات يوم و كان لا يكثري قبل ذلك: يا أبا عبد الله! فقلت: لبيك جعلت فداك! قال: إن لنا في كل ليلة جمعة سرورا. قلت: زادك الله و ما ذاك؟ قال: إنه إذا كان ليلة الجمعة و افا رسول الله العرش و وافى الأئمة معه و وافينا معهم فلاترد أرواحنا إلى أبداننا الا يعلم مستفاد و لولا ذلك لنفد ما عندنا. (ص ۱۵۰)

۲. امام صادق: إن لنا في كل ليلة الجمعة و فدة إلى ربنا فلاننزل الا بعلم مستطرف. (ص ۱۵۱)

۳. عن أبي جعفر: قال رسول الله «ان أرواحنا و ارواح النبيين توافي العرش كل ليلة جمعة فتصبح الأوصياء و قد زيد في علمهم مثل جم الغفير من العلم». (ص ۱۵۲)

۴. عن علي السائي: سألت الصادق عن مبلغ علمهم فقال: مبلغ علمنا ثلاثة و جوه؛ ماض و غابر و حادث فاما الماضي فمفسر و اما الغابر فمزبور و اما الحادث فقذف في القلوب و نقر في الاسماع و هو أفضل علمنا و لا نبي بعد نبينا. (ص ۳۳۸)

۵. عن أبي بصير: قلت لأبي عبد الله: جعلت فداك! أي شيء هو العلم عندكم؟ قال: ما يحدث بالليل و النهار و الامر بعد الامر و

حارث بن مغیره از امام درباره منشأ دانششان جویا شد؛ حضرت فرمود:  
میراث پیامبر و امیرالمؤمنین است. گفت: ما شنیده‌ایم به آنها الهام نیز می‌شود. فرمود:  
آن هم هست.<sup>۱</sup>

### بشارت پیشینیان

ألا! إنه قد بشر به من سلف بين يديه.

در زیارت آل یاسین این گونه به امام زمان سلام می‌دهیم:

السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه.

در این که امام زمان، مورد بشارت تمامی امامان پیش از خود و همچنین پیامبر ﷺ است تردیدی نیست و انبوه روایاتی که در کتاب‌های شیعه و اهل تسنن در این زمینه وجود دارد، گواه گویای این امر است. این روایات، آن قدر فراوان و انبوه هستند که مجموعه‌های حدیثی ویژه مهدویت را پدید آورده‌اند. مجموعه‌هایی همچون *متخب الاثر* اثر فقیه گرانقدر فقید، حضرت آیه‌الله صافی گلپایگانی و *معجم احادیث الإمام المهدي* اثر عالم فرزانه علی کورانی عاملی. گذشته از آن، در میراث ماندگار از پیامبران پیشین نیز بشارت‌هایی نسبت به امام زمان وجود دارد که آنها را نیز می‌توان در بسیاری از کتاب‌های با محوریت اثبات حقانیت و وجود امام زمان مشاهده نمود. همان گونه که در آیات متعدد قرآن کریم نیز به این بشارت و آینده روشن بشریت، تصریح شده است؛ آیاتی همچون:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾.

که اشاره به بشارت پیشینی به موعود اسلام نیز دارد. و آیه:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵).

بنابراین این جمله از خطبه غدیر نیز اشاره به حقیقتی تابناک دارد که هیچ تردیدی در درستی آن نیست.



الشئ بعد الشئ إلى يوم القيمة. (ص ۳۴۵)

مرحوم صفار، چند روایت دیگر نیز به این مضمون نقل کرده است.

۱. الحرث بن المغيرة: اخبرني عن علم عالمكم. قال: وراثة من رسول الله و من علي بن أبي طالب. قلت: انا نتحدث انه

يقذف في قلوبهم وينكت في آذانهم. قال: ذاك و ذاك. (ص ۳۴۶)

مرحوم صفار، چند روایت دیگر نیز به این مضمون نقل کرده است.

## نتیجه‌گیری

مرحوم طبرسی، خطبه‌ای برای مراسم پر شکوه غدیر گزارش کرده که در سایر منابع نشانی از آن نیست و از نظر سندی نیز، در چندین راوی با مشکل روبرو است. حدود هجده فقره مهدوی در این خطبه وجود دارد که براساس بررسی صورت گرفته، تقریباً تمامی این جملات، از پشتوانه‌ای مستحکم و قوی در میان انبوه روایات معارفی اهل بیت برخوردار هستند و همین برای اثبات حقانیت بخش مهدویت خطبه غدیر، کافی و وافی است. از دیگر سو با اثبات این جملات، گامی مهم برای تثبیت اصل خطبه غدیر بر مبنای اثبات گزارش‌های مهدوی آن برداشته می‌شود. در این میان، تنها یک جمله در سایر منابع، نشانی نداشت که جمله «إنه الغزاف فی بحر عمیق» باشد ولی این جمله دو برداشت دارد که هر دو از مسائل یقینی در بحث مهدویت به شمار می‌آیند و از این نظر نیز بر این مجموعه، ایرادی وارد نیست. امید آن که تلاش‌های دیگری برای اثبات سایر فقرات این خطبه از سوی پژوهشگران و دغدغه‌مندان علوی و مهدوی صورت پذیرد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۶۳ش)، *کمال‌الدین*، قم، جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۵ق)، *علل الشرائع*، نجف اشرف، المكتبة الحیدریة.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات*، بیروت، دارالمفید، دوم.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (۱۴۱۷ق)، *الامالی*، قم، مؤسسه بعثت، اول.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (بی تا «الف»)، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین (بی تا «ب»)، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی (بی تا)، *فلاح السائل*، بی جا، بی تا.
۹. ابن غضائری، حسین (۱۳۸۰ش)، *رجال*، قم، دارالحدیث، اول.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۸۰ش)، *کامل الزیارات*، قم، نشر فقاقت، اول.
۱۱. بیهقی، احمد بن حسین (بی تا)، *السنن الکبری*، بیروت، دارالفکر.
۱۲. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الاثر*، قم، انتشارات بیدار.

۱۳. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث، بی جا، بی نا، پنجم.
۱۴. راوندی، قطب الدین (۱۴۱۸ق)، قصص الانبياء، قم، الهادی، اول.
۱۵. زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، بیروت، دارالفکر.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفة.
۱۷. صفار، محمد بن حسن (۱۳۶۳ش)، بصائر الدرجات، تهران، اعلمی.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الاوسط، بی جا، دارالحرمین.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الكبير، بی جا، دارالاحیاء التراث العربی، دوم.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، نجف اشرف، مطبعة النعمان.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۰ق)، جامع البیان، بیروت، دارالفکر.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامة، قم، مؤسسه بعثت، اول.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش)، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سوم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیه، اول.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق)، مصباح المتعبد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعه، اول.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم، دارالثقافه، اول.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال، قم، جامعه مدرسین، اول.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، فهرست، قم، مؤسسه نشر اسلامی، اول.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، تفسیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر، قم، دارالکتب، سوم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، پنجم.
۳۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفا، دوم.
۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، الارشاد، بیروت، دارالمفید، دوم.
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، الامالی، بیروت، دارالمفید، دوم.
۳۵. نجاشی، احمد (۱۴۱۶ق)، رجال، قم، جامعه مدرسین، پنجم.
۳۶. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۴۲۲ق)، الغیة، قم، مهر، اول.
۳۷. نیلی نجفی، سید بهاء الدین (۱۴۲۰ق)، منتخب الانوار المصنیه، قم، مؤسسة الامام الهادی، اول.

